

An Evaluation Model for the Dependency of Understanding Legal Verses on the Culture of the Quranic Revelation Era

Received: 2023/05/01
Accepted: 2023/10/23

10.22034/JKSL.2023.395237.1203
20.1001.1.27833356.1402.4.3.5.0



* Reyhaneh Khodamardi

** Farzaneh Rohani Mashhadi

*** Alireza Talebpour

Type of Article: Researching

Abstract

Various perspectives exist regarding the role of historical and cultural studies in understanding the Quran, particularly the legal verses. Scholars such as Nasr Hamed Abu Zayd and Mujtahid Shabestari argue that a proper understanding of these verses is rooted in the historical and cultural studies of the Quranic revelation era, emphasizing the need for cultural translation. On the contrary, Quranic scholars like Allameh Tabatabai and Ayatollah Jawadi Amoli believe that the Quran is self-sufficient and complete in its guidance. The aim of this research is to present a model that evaluates each legal verse as an input based on influential criteria in determining the dependency of understanding the verses on the cultural context of the Quranic revelation era. The output of the model categorizes the verse as either independent or dependent on cultural studies. Using a descriptive-analytical method, the perspectives and discussions of key researchers in this field were studied. The determining criteria were extracted, and the evaluation model was presented as a decision tree diagram, incorporating model elements and their relationships. The model provides the capability to assess the components governing legal verses, consisting of eight features or elements and four rules or relationships. Based on evaluating these eight features for the legal verse input, the model determines the output, indicating the dependency or independence of the verse on specialized cultural studies.

Keyword: Legal Verses, Dependency of Quranic Understanding, Cultural Context of Revelation Era

*. Master's Degree Graduate in Quranic Sciences, Interdisciplinary Quran Studies Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

** . Assistant Professor, Interdisciplinary Quran Studies Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (corresponding author)

f_rohani@sbu.ac.ir

***. Associate Professor, Faculty of Engineering and Computer Science, Interdisciplinary Quran Studies Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.



أنموذج تقييم علاقة فهم آيات الأحكام بثقافة عصر نزول القرآن الكريم

الاستلام: ١٥ شوال ١٤٤٤
القبول: ٧ ربيع الثاني ١٤٤٥

10.22034/JKSL.2023.395237.1203
20.1001.1.27833356.1402.4.3.5.0



ريحانة خدامردي*
فرزانه روحاني مشهدي**
عليرضا طالب پور***

نوع المقال: بحثي

الملخص

هناك مجموعة من الآراء عن دور الدراسات التاريخية والبحوث الثقافية في فهم القرآن ولاسيما آيات الأحكام وكل واحد يؤكد على أصوله وبواعثه الخاصة. فمن جانب يرى مفكرون معاصرون ك: نصر حامد أبوزيد ومجتهد شبستري أن الفهم الصحيح لهذه الآيات يتطلب الدراسات التاريخية والثقافية للعصر الذي نزل فيه القرآن الكريم وتطبيق قواعده يستلزم ترجمة ثقافية ومن جانب آخر يعتقد باحثو القرآن مثل العلامة الطباطبائي وآية الله جوادي أمني أن القرآن الكريم تامّ وقائم بذاته في معناه. ويمكن الحصول على فهم أولي لما يقصده الله باستخدام القرائن المتصلة. يستهدف البحث هذا تقديم نموذج يقوم كل آية تستحوذ على حكم عملي وقيمتها كمدخل النموذج على أساس المعايير المؤثرة في تحديد علاقة فهم الآيات بثقافة زمن النزول ومخرج هذه النموذج هو تحديد حالة الآية إلى إحدى الحالتين القائمة بذاتها أو المتصلة. لذلك تمّ دراسة آراء الباحثين المتميزين ومناقشتهم في هذا الموضوع واستخراج معايير التحديد منها واستعراض نموذج التقييم على شكل رسم شجرة القرار التخطيطي وذلك باستخدام المنهج الوصفي التحليلي. إن هذا الرسم التخطيطي يحتوي على عناصر النموذج والعلاقات بينها. فتمكن هذا النموذج من تقييم مكونات تسود على آيات الأحكام. تتضمن هذه المكونات ثمانية ميزات أو عناصر وأربعة قواعد أو روابط يحدد على أساسها لآية آية فقهية دخلت النموذج مخرجات وهي تحديد اعتماد تلك الآية على الدراسات الثقافية المتخصصة أو استقلالها عنها.

الكلمات المفتاحية: التماثل للآية، الكتابة التاريخية، شاه إسماعيل، الدولة الصفوية، الرواية والسردي



سال چهارم
شماره سوم
پیاپی سیزدهم
پاییز ١٤٠٢

* خريجة الماجستير في قسم علوم القرآن، معهد الدراسات المتعددة التخصصات للقرآن، جامعة شهيد بهشتي، طهران- إيران
** أستاذة مساعدة، معهد الدراسات المتعددة التخصصات للقرآن، جامعة شهيد بهشتي، طهران- إيران (الكاتب الرئيسية)

f_rohani@sbu.ac.ir

*** أستاذ مشارك، كلية الهندسة وعلوم الحاسوب، معهد الدراسات المتعددة التخصصات للقرآن، جامعة شهيد بهشتي، طهران- إيران



مدل ارزیابی وابستگی فهم آیات الاحکام به فرهنگ عصر نزول قرآن کریم



دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

ریحانه خدامردی *

فرزانه روحانی مشهدی **

علیرضا طالب پور ***

10.22034/JKSL.2023.395237.1203 doi

20.1001.1.27833356.1402.4.3.5.0



مقاله: پژوهشی

چکیده

در باره نقش مطالعات تاریخی و فرهنگی در فهم قرآن و به طور خاص آیات الاحکام، طیفی از دیدگاه‌ها وجود دارد و هریک بر مبانی و دلایل ویژه خود تأکید می‌کند؛ از یک سو، نواندیشانی چون نصر حامد ابوزید و مجتهد شبستری معتقدند فهم صحیح این دست آیات در گرو مطالعات تاریخی و فرهنگی عصر نزول قرآن کریم است و کاربردی کردن احکام آن نیازمند ترجمه فرهنگی است و از سوی دیگر، قرآن پژوهانی مانند علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی بر آنند که قرآن کریم در دلالت خود تامّ و مستقل است و با استفاده از قرائن پیوسته می‌توان به فهمی اولیه از مراد الهی دست یافت. هدف از این پژوهش ارائه مدلی است که بر اساس معیارهای تأثیرگذار در تعیین وابستگی فهم آیات به فرهنگ عصر نزول، هر آیه حاوی حکم عملی را به عنوان ورودی مدل ارزیابی کند و خروجی آن تعیین وضعیت آیه به یکی از دو حالت مستقل و وابسته باشد. به این منظور و با روش توصیفی تحلیلی، دیدگاه‌ها و مباحثات محققان شاخص در این مبحث را مطالعه و معیارهای تعیین‌کننده را از آن استخراج و در نهایت مدل ارزیابی را به صورت نمودار درخت تصمیم نمایش داده‌ایم. این نمودار حاوی عناصر مدل و روابط میان آن‌هاست. این مدل، قابلیت ارزیابی مؤلفه‌های حاکم بر آیات الاحکام را فراهم آورده است. این مؤلفه‌ها شامل هشت ویژگی یا عنصر و چهار قاعده یا رابطه است که بر اساس ارزیابی این هشت ویژگی برای آیه فقهی ورودی مدل، خروجی مدل که وابستگی یا استقلال آن آیه از مطالعات فرهنگی تخصصی است، تعیین می‌شود.

واژگان کلیدی: آیات الاحکام، وابستگی فهم قرآن، فرهنگ عصر نزول.

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی، ایران، تهران.

** استادیار پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، ایران، تهران. (نویسنده مسئول)

f_rohani@sbu.ac.ir

***. دانشیار دانشکده مهندسی و علوم کامپیوتر و پژوهشکده مطالعات میان رشته‌ای قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، ایران، تهران.



۱. بیان مسئله

با توجه به اعتقاد مسلمانان به مرجعیت قرآن در تعیین سبک زندگی سعادت‌مندان، فهم دستورات اخلاقی و فقهی آن بسیار مهم است؛ اما با گذشت چهارده قرن از نزول قرآن و تحولات علمی و فرهنگی بشر، این مسئله پدید آمده که این دستورات تا چه حد در زندگی انسان معاصر کاربرد دارد. در واقع دو پرسش اساسی پیش روی قرآن‌پژوهان قرار دارد: ۱. با چه روشی می‌توان دسته‌ای از آیات قرآن را که متأثر از فرهنگ عصر نزول یا حداقل ناظر آن بوده است، فهمید؟ ۲. کاربردی‌سازی چنین آیاتی متناسب با شرایط روزگار حاضر چگونه میسر است؟ در پاسخ به این دو پرسش، طیفی از دیدگاه‌ها در میان محققان پدید آمده است. برخی بر آن شده‌اند که برای درک احکام قرآن و شناخت آیات تشریحی آن، باید بستر تشریح حکم و دیدگاه مردم معاصر نزول آن را نسبت به اعمال و مناسک موردنظر به دست آورد و با سابقه آن آشنا شد؛ زیرا این بحث علاوه بر اهمیت در فهم شیوه بیان قرآن، در نوع توسعه و تعمیم آن آیات نیز بسیار مهم است (ایازی، ۱۳۸۰ش، ۱۳۲). بدین‌سان عده‌ای از اندیشمندان، آگاهی از شرایط تاریخی و فرهنگی عصر نزول را در فهم و کاربست همه آیات قرآن کریم به‌ویژه آیات الاحکام ضروری می‌دانند. طرفداران این دیدگاه حداکثری در وابستگی آیات به فرهنگ عصر نزول، هدف اصلی احکام قرآنی را اصلاحات اخلاقی و اجتماعی عصر نزول (مجتهدشستری، ۱۳۷۹ش، ۲۶۷-۲۶۸) و کارایی آن را محدود به همان دوره می‌دانند (نکونام، ۱۳۸۰ش، مقدمه). به اعتقاد ایشان، این احکام فرازمانی و فرامکانی نیست و احکام اسلام، تاریخی (مجتهدشستری، ۱۳۸۴ش، ۱۶۶-۱۷۷) و موقت (سروش، ۱۳۸۵ش، ۳۲) است. آن‌ها به‌طور ویژه، احکام موضوعاتی چون برده‌داری، زن و خانواده، ارث زنان، حجاب و احکام اهل ذمه را نیازمند بازنگری (ابوزید، ۲۰۰۴م، ۱۰-۱۱؛ همو ۱۳۸۳ش، ۶۸) و توسعه آن را منوط به ترجمه فرهنگی می‌دانند؛ یعنی لازمه کاربردی‌سازی این احکام، مطالعات زبان‌شناسی و انسان‌شناسی است (پاکتچی، «مطالعات فرهنگی در تفسیر»، ضمن پایگاه اینترنتی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی،^۱ مشاهده در ۱۴۰۲/۶/۱۵) تا بتوان معنایی فرازمانی و مستقل از ویژگی‌های اجتماعی آن دوره را از آیات استنباط کرد؛ سپس این روح فرازمانی را در جسم موضوعات معاصر دمید تا حکم امروزی قرآن مشخص شود.

1. <https://www.cgie.org.ir/fa/news/179624>.



طیف دیگر، فهم قرآن کریم را از تمام عناصر فرهنگی و مؤلفه‌های اثرگذار محیطی مستقل می‌شمارند. بر این اساس، حکم مذکور در آیات الاحکام، صرف‌نظر از شرایط و اسباب خاص نزول آن آیات، قابلیت تعمیم به همهٔ مردمان همهٔ اعصار را دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ۴۲؛ همو، ۱۳۵۳ش، ۳۸-۱۹۶). بنابر رویکرد حداقلی، استناد به دانش ادبیات عرب و قرائن کلامی برای فهم صحیح قرآن کریم کافی است و در مقام فهم آن، باید بیش از تکیه بر کاربردهای عرفی و فرهنگی زمان نزول یا حتی صرف‌نظر از آن (همان، ۱۹۶)، به عرف قرآن و قرائن کلامی موجود در آیات و نقش هدایتی آن‌ها برای همهٔ بشر توجه کرد؛ زیرا قرآن خود، ابهام و اجمالش را تبیین می‌کند. به همین دلیل بهترین روش فهم آیات قرآن کریم روش تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام یعنی «قرآن با قرآن» است و تأکید می‌شود که لازم است، با تکیه بر جهان‌شمول و جاودانه بودن قرآن کریم و فطری بودن زبان آن، متن قرآن کریم را بازخوانی کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش، ۲۹).

در طیف میانه، سخن از شمول قرآن بر آیاتی است که فهم آن وابسته به فرهنگ عصر نزول است. در این طیف، رضایی اصفهانی و خرمشاهی، بدون آن‌که برخی آموزه‌های قرآن را از گردونهٔ کارایی خارج کنند، تأثیر توجه به فضای نزول در فهم بخشی از آیات را انکار نمی‌کنند و رجوع به فرهنگ و تاریخ را برای فهم آیات ناظر به فرهنگ عصر نزول، با هدف استنباط روح حاکم بر حکم قرآن و تعمیم آن به موضوعات جدید، لازم می‌دانند (خرمشاهی، ۱۳۷۴ش، ۹۴)؛ اما با تأکید بر تأثیرگذاری قرآن بر فرهنگ عصر نزول، نگرهٔ انفعال و تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ را نمی‌پذیرند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳ش، ج ۴، ۶۴).

شکل ۱. طیف دیدگاه‌ها دربارهٔ وابستگی فهم آیات



همه این رویکردها مبتنی بر مبانی و اصولی در باب فهم قرآن کریم است و ملاک‌ها و راهکارهایی را ارائه می‌دهد؛ از این رو برای روشن شدن محل‌های نزاع و اتخاذ موضع، ضروری است با یک مطالعه جامع در آثار صاحب‌نظران این حوزه، این ملاک‌ها را استخراج و به‌عنوان شروط تأثیرگذار در تعیین وابستگی فهم آیات الاحکام به مطالعه فرهنگی و از منظر نحوه کاربردی‌سازی حکم آن آیه، آن را ارزیابی کرد. با توجه به این موضوع، هدف پژوهش حاضر ارائه مدلی است تا آیات حاوی احکام عملی را به‌عنوان ورودی مدل و بر اساس معیارهای تأثیرگذار در تعیین وابستگی فهم آیه به فرهنگ زمانه ارزیابی کند و خروجی آن تعیین وضعیت آیه به یکی از دو حالت مستقل و وابسته باشد. به این منظور و با روش توصیفی تحلیلی، دیدگاه‌های افراد شاخص در این طیف را مطالعه و معیارهای تعیین‌کننده از آن را استخراج کرده و درنهایت، مدل ارزیابی را به‌صورت نمودار درخت تصمیم ارائه نموده‌ایم.

شایان ذکر است که قرائت فرهنگی یک قرائت نسبی و متغیر است و قرائت کسانی که زمینه‌های تاریخی و فرهنگی را بر تفسیر آیات قرآن مؤثر نمی‌دانند، جهان‌شمول و همگانی و ثابت است. این دو به لحاظ هستی‌شناسی و حتی معرفت‌شناسی اختلاف دارند؛ اما به نظر می‌رسد بررسی دلایل و ضوابط و شروطی که حامی نگره فرهنگی بودن است و به‌کارگیری آن درباره مصادیق متعددی از آیات قرآن به‌وسیله مدل ارائه‌شده، می‌تواند مثال نقضی برای مبانی حامیان استقلال قرآن باشد و در نتیجه، بر تعدیل رویکرد حداقلی نقش داشته باشد.

نکته قابل توجه در تعیین موضع مسئله آن است که مراد از ارزیابی وابستگی آیات الاحکام به فرهنگ زمانه، همان مطالعه آیات تشریحی قرآن از منظر زمینه‌های تاریخی و تأثیرات فرهنگی است که سایه‌اش بر سر آیات گسترده شده و گاهی نیز موجب حکمی تحمیلی می‌شود. این پژوهش به رویکرد تمدنی و فرهنگی به قرآن که خود را به آن عرضه می‌کند و فهمی هم‌عرض رویکردهای دیگر به‌دست می‌آورد؛ نظر ندارد.

اکنون لازم است چند اصطلاح کلیدی پژوهش را تعریف کنیم تا از برداشت نادرست مخاطب به جهت تکیه بر تعاریفی متفاوت، جلوگیری شود.



۲. ادبیات نظری تحقیق

۲-۱. آیات الاحکام

اصل معنای «حکم»، منع و بازداشتن برای اصلاح است (زاغب اصفهانی، ۱۳۸۳ش، ۵۲۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ۹۱). دهخدا «حکم» را عبارت از حکومت، امر کردن، فرمان دادن، قانون و داوری می‌داند (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۶، ۸۰۴۱). در قاموس قرآن، معنای آن را «داوری» گفته است. معنای اولی این کلمه همان منع از فساد و منع برای اصلاح است که در تمام موارد صادق است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ۱۶۱).

آیات الاحکام یا آیات فقهی قرآن کریم، آیاتی است که به احکام فقهی و تکالیف عملی ارتباط دارد؛ به عبارت دیگر؛ بر آن دسته از آیات قرآن کریم اطلاق می‌شود که بیانگر احکام عملی اسلام (مرکز دائره المعارف قرآن، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ۳۱۲) و در بردارنده احکام فقهی متعلق به مصالح دنیا و آخرت مردم باشد (ذهبی، ۱۳۹۶ش، ج ۲، ۴۳۲).

تعداد آیات الاحکام در قرآن کریم نیز از گذشته محل اختلاف عالمان مسلمان بوده است. رقم مشهور بین فقهای شیعه و سنی پانصد آیه است (زرکشی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ۱۳۰) و ابن عربی تعداد آن را ۶۳۴ آیه می‌داند (بلعید، ۱۹۹۹م، ۵۱)؛ اما برخی تعداد آن را کمتر از رقم مشهور و حدود صد و پنجاه آیه می‌دانند (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ۲۶۸). مقدس اردبیلی نیز در تفسیر زبدة البیان تنها به تفسیر حدود ۳۷۰ آیه فقهی پرداخته است (نک: ایازی، ۱۳۸۰ش، ۲۲). دیدگاهی هم وجود دارد که تعداد آن را فراتر از رقم مشهور می‌داند. آیت‌الله معرفت بر این باور است که آیات مرتبط با اعمال مکلفان، از پانصد آیه بسیار بیشتر است و تقریباً به دوهزار آیه می‌رسد (معرفت، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ۲۲۸). شاید بتوان دلیل این اختلاف در تعداد آیات الاحکام را اختلاف نظر هر یک از مفسران در تعریف آیات الاحکام دانست که برخی آن را مربوط به عبادات و معاملات و برخی دیگر علاوه بر این، شامل آیات اخلاقی و سیاسی و اقتصادی می‌دانند. در پژوهش حاضر، منظور از آیات الاحکام آن دسته از آیات قرآن کریم است که مبین یکی از احکام عملیه دین اسلام باشد (شانه‌چی، ۱۳۷۵ش، ۳۱).

یک مدل، نمایشی از واقعیت‌هاست. سیستم‌ها به دلیل تعامل درونی اجزا با یکدیگر و تعامل برونی آن‌ها با محیط، پیوسته رفتارهای مختلف و گاه پیچیده‌ای دارند. این گوناگونی و پیچیدگی رفتارها محققان را بر آن می‌دارد که برای درک و تشریح یا پیش‌بینی رفتار یک سیستم، بر اساس متغیرها و معیارهای موردنظر، از آن مدلی بسازند و با به‌کارگیری و انجام تغییراتی در آن، نتایج را بررسی کنند.^۱ مدل، شامل ورودی و اجزا و خروجی است. در این پژوهش، ورودی مدل، یک آیه فقهی است. اجزای مدل، شروط و قیودی لازم جهت بررسی در فرآیند تشخیص وابستگی آیات است. خروجی مدل، به دو حالت مستقل و وابسته نمایش داده شده است. این مدل را با استفاده از نمودار درخت تصمیم^۲ نمایش داده‌ایم.

۲-۳. وابستگی فهم آیه به مطالعات فرهنگی

بدیهی است که هر متن زبانی، وابسته به فرهنگ است؛ زیرا زبان یک مقوله فرهنگی است. سطوح بالاتر و وابستگی فرهنگی نیز وجود دارد که فراتر از مطالعات لغوی و زبانی، فهم متن را وابسته به مطالعات فرهنگی و تاریخی و جغرافیای فرهنگی می‌داند. مسئله پژوهش حاضر به این سطح مربوط می‌شود. در واقع، اگر تنها مطالعات زبانی را شرط وابستگی فرهنگی بدانیم، همه آیات به مطالعات فرهنگی وابسته خواهد بود و هیچ اندیشمندی این سطح از وابستگی را انکار نمی‌کند؛ بنابراین در پژوهش حاضر، زمانی حالت آیه را وابسته در نظر گرفته‌ایم که دانستن قرائن زبانی، مانند ادبیات عرب، صرف و نحو، سیاق و بافت متنی و آیات مرتبط دیگر، برای فهم آیه و استنباط حکم از آن کفایت نکرده، بلکه فهم آیه یا استنباط حکم از آن، نیازمند مطالعه فرهنگی و تاریخی عصر نزول بوده است؛ لذا روشن است که مراد از حالت استقلال از فرهنگ زمانه، کفایت مطالعه زبانی و بررسی سیاق آیه و همچنین آیات مشابه برای فهم مراد اولیه آیه است. این مراد اولیه در این پژوهش همان حکم فقهی است. حال اگر در موردی امکان فهم اولیه از مراد آیه وجود داشته باشد، اما مطالعات فرهنگی موجب ارتقای فهم مخاطب از آیه شود، اگر این فهم افزون، مراد خداوند از آیه و پیام اصلی آن نباشد، یعنی صرفاً اطلاعاتی افزون در حوزه تاریخ

1. <https://analysisacademy.com>.

2. Decision tree.

و فرهنگ عرب عصر نزول فراهم کند، در این حالت فهم آیه را مستقل در نظر گرفته ایم.

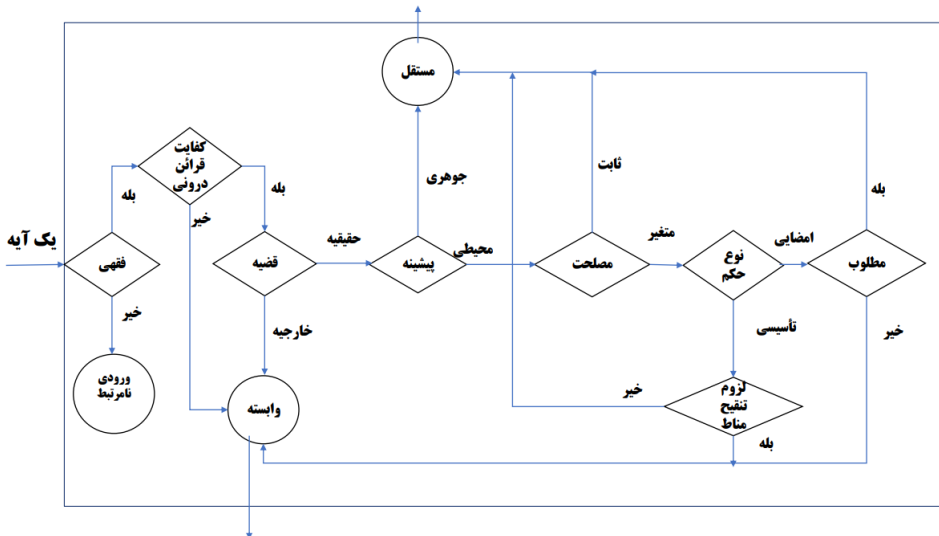
۳. دستاورد پژوهش

مهم‌ترین دستاورد این پژوهش، مدل ارزیابی وابستگی آیه فقهی به مطالعه فرهنگی است. این دستاورد کلی حاوی دو دستاورد دیگر است: اول، هشت ویژگی آیات قرآن کریم که بر تعیین استقلال آیات الاحکام از مطالعه فرهنگی و استنباط حکم از آن آیات موثر است. این ویژگی‌ها اجزای مدل را تشکیل داده است. دوم: چهار قاعده تعیین استقلال، که متناسب با مقادیر یا حالات در بردارنده این ویژگی‌ها به دست آمده و روابط اجزای مدل را ساخته است. بدیهی است هر آیه فقهی که با این چهار قاعده تطابق نداشته باشد، وابسته است.

۳-۱. نمودار مدل ارزیابی وابستگی آیات الاحکام به فرهنگ عصر نزول

مهم‌ترین دستاورد این پژوهش، یعنی مدل ارزیابی وابستگی آیات فقهی به فرهنگ عصر نزول، به صورت نمودار درخت تصمیم در شکل ۲ رسم شده است.

شکل ۲: نمودار درخت تصمیم مدل ارزیابی وابستگی آیات الاحکام به فرهنگ عصر نزول



۲-۳. عناصر مدل ارزیابی وابستگی فهم آیات الاحکام به مطالعه فرهنگی

بر اساس مطالعه آثار اندیشمندان و قرآن‌پژوهان شاخص و حامی قرائت فرهنگی آیات فقهی قرآن، هشت ویژگی مؤثر آیات قرآن بر ارزیابی استقلال فرهنگی فهم آیات الاحکام و استنباط حکم از آن را شناسایی کردیم. این ویژگی‌ها به همراه ورودی که یک آیه فقهی است و خروجی‌های وابسته یا مستقل مدل، عناصر آن را تشکیل می‌دهد. هر ویژگی، دو مقدار یا حالت ممکن به شرح زیر دارد:

ویژگی اول: فقهی بودن آیه؛ بله یا خیر. فقه، مجموعه‌ای از احکام شرعی کلی یا وظایفی است که از ناحیه شارع یا عقل در صورت وجود نداشتن حکم شرع وضع می‌شود (حکیم، ۱۹۷۹م، ۴۱)؛ در نتیجه، یکی از مهم‌ترین منابع برای استخراج صریح یا ضمنی این احکام، قرآن کریم است. به‌عنوان نمونه‌هایی از آیات در بردارنده حکم شرعی، می‌توان به آیات وضو (مائده: ۶)، وجوب نماز و زکات (توبه: ۴۳)، آیات طلاق (بقره: ۲۲۹)، آیات نکاح (نور: ۳۲)، حرمت ربا (بقره: ۲۷۸) و قصاص (بقره: ۱۷۸) اشاره کرد.

ویژگی دوم: کفایت قرائن درونی؛ بله یا خیر. منظور از قرائن، مجموع اموری است که به‌گونه‌ای با آیات قرآن کریم ارتباط دارد و در تعیین و تبیین معنا و مقصود آن‌ها مؤثر است. برخی از این امور مانند سیاق و فضای نزول که همراه و پیوسته با نزول آیات بوده است، «قرائن متصل» و برخی مانند آیه‌های دیگر قرآن کریم، روایت‌ها، قرائن تاریخی و برهان‌های قطعی نظری که پیوسته و همراه با آیات نیست، «قرائن منفصل» نامیده می‌شود. وجه قرینه بودن این امور از آن‌روست که همراه با لفظ آیات، بر مراد خدای متعال دلالت دارد. توجه به قرائن متصل و منفصل کلام برای فهم معنا و مقصود گوینده، روشی عقلایی در همه فرهنگ‌هاست و به دست آوردن مقصود گوینده در چنین مواردی جز از طریق قرائن ممکن نیست (بابایی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ۲۴۳).

آیه فقهی که حکم آن با توجه به قرائن درونی قابل فهم است، در این ویژگی مقدار «بله» می‌گیرد. بدیهی است این کفایت به معنای رفع تمام ابهام‌های موجود در آیه حتی در لایه‌های عمیق‌تر فهم آن نیست؛ بلکه ممکن است مفاهیم عمیقی از آیه با رجوع به سبب نزول و قرائن بیرونی یا همان مطالعه فرهنگی کشف و باعث ارتقای فهم مخاطب نسبت به آیه شود. این نوع رفع ابهام، موجب کفایت نکردن قرائن درونی در فهم حکم آیه نمی‌شود. برای مثال، در آیات مربوط به احکام برده‌داری، سیاق و دیگر آیات قرآن کریم به‌روشنی نشان می‌دهد شارع



مقدس به شکل‌های مختلف سعی در محدود کردن برده‌داری دارد و مثلاً به ازای برخی گناهان چون کفاره قتل خطا^۱ (نساء: ۹۲) و کفاره قسم^۲ (مائده: ۸۹)، مؤمنان را مکلف به آزاد کردن برده می‌کند. تخصیص مصرف زکات برای آزاد کردن برده^۳ (توبه: ۶۰) صورت دیگر کنترل این فرهنگ است. همچنین قرآن با معرفی آزادسازی بردگان به‌عنوان یکی از برترین عبادات^۴ (بلد: ۱۱-۱۳) راهی به سوی نسخ این فرهنگ می‌جوید. بنابراین فهم جایگاه برده‌داری در منظومه شرع اسلام، نیازمند یک مطالعه فرهنگی و گسترده است که نشان از ممکن نبودن مخالفت یک‌باره قرآن با این موضوع دارد، اگرچه فهم اولیه این آیات بدون دانستن آن فضا و منظومه نیز ممکن است.

ویژگی سوم: نوع قضیه؛ حقیقه یا خارجیه. یکی از مسائل مهم برای فقیه، تشخیص موارد قضایای حقیقی از قضایای خارجی است. این نکته در فقه مسلم است که احکام، بر قضایای حقیقی مترتب است، نه قضایای خارجی؛ زیرا قضایای خارجی نمی‌تواند مبین حکم باشد. قضایای خارجی تابع شرایط خاصی است که مخاطب از آن‌ها بی‌اطلاع است و چه‌بسا آن حکم یا پدیده شرط و جزئی دارد که به دست مخاطب نرسیده است؛ از این رو، نمی‌توان برای همه زمان‌ها و مردم حکمی کلی استنباط کرد (ایازی، ۱۳۸۰ ش، ۳۸۸-۳۸۷). علامه طباطبایی نیز در تعریف قضایای خارجی می‌نویسد:

«حقیقت خارجی که منشأ تشریح حکمی از احکام و یا بیان معرفتی از معارف الهیه است و یا منشأ وقوع حادثی است که قصص قرآنی آن را حکایت می‌کند، هر چند امری نیست که لفظ آن تشریح و آن بیان و آن قصص به‌طور مطابقه بر آن دلالت کند، لیکن همین‌که آن حکم و بیان و حادثه از آن حقیقت خارجی منشأ گرفته و در واقع اثر آن حقیقت را به‌نوعی حکایت می‌کند، در این صورت گفته می‌شود که فلان حقیقت خارجی تاویل فلان آیه است (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ۸۰).

۱. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۹۲)

۲. «لَا يَأْخُذُكُمْ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَوْ كِسْفَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (مائده: ۸۹)

۳. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰)

۴. «فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُ رَقَبَةٍ» (بلد: ۱۱-۱۳)

اما در قضایای حقیقیه حکم به جای افراد به یک عنوان کلی تعلق می‌گیرد؛ به این دلیل که خاصیت از این عنوان به دست می‌آید. فقها بر آنند که احکام وضع شده در اسلام به صورت قضایای حقیقیه است؛ یعنی اسلام طبیعت اشیا را در نظر گرفته و حکم را روی طبیعت آن برده و مثلاً گفته است: خمر حرام است، یا غضب حرام است. وقتی که جعل احکام به این شکل شد، طرز استنباط مجتهد فرق می‌کند. اگر به نحو قضایای خارجی و فردی و جزئی بود، حکم آن هم متغیر است؛ اما اگر به صورت قضایای حقیقی بود، حکم آن ثابت است (مطهری، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ۱۵). لذا احکام شرعیه چون قضایای حقیقیه و تابع موضوع است، پس تا موضوع محقق نشود، مجرد انشا است و حاوی حکم نیست؛ چنان‌که همه قضایای عقلیه و علمیه در جمیع علوم از این قبیل است (طیب، ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ۷۱). بنا بر آنچه گذشت، قضایای حقیقیه مبین حکم هستند؛ درحالی‌که قضایای خارجی چون در ارتباط با یک انسان یا ناظر بر اتفاق خارجی است، نمی‌تواند حکم کلی دربرداشته باشد؛ زیرا منحصر بر فرد خاص و نیازمند مطالعه تاریخی فرهنگی است، پس از دایره وضع حکم خارج است. برای مثال، داستان اعطای انگشتر به مسکین در حین رکوع^۱ توسط امام علی علیه السلام، یک قضیه خارجی است که آیه ولایت ناظر به آن نازل شده است؛ بنابراین نمی‌توان حکم آن را به هر زکات‌دهنده در حین رکوع تعمیم داد و صرفاً وابسته به همان داستان نزول یا قضیه خارجی است؛ بنابراین فهم آن مستقل از داستان موردنظر ممکن نیست.

ویژگی چهارم: پیشینه حکم؛ جوهری یا محیطی. احکام قرآن همگی از یک قرار نیست و جعل و تشریح یکسانی ندارد؛ بلکه کلیت برخی از احکام در ادیان ابراهیمی سابقه دارد و به عنوان امر و تکلیفی جوهری در تمام ادیان الهی مطرح بوده است. برخی از این احکام نیز بدان دلیل مطرح شده که در محیط جزیره العرب وجود داشته و به عنوان واقعیت متعامل با جامعه پذیرفته شده است. آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که با صراحت، مورد نخست را در کنار ایمان به خدا و آخرت مطرح می‌کند و موضوع سعادت و نجات را با انجام آن‌ها قرین می‌دانند. البته شکل و خصوصیت‌های این‌گونه احکام تغییر کرده و در طول زمان تکامل یافته است. برای مثال، «نیایش» در شکل صلاة، صوم، حج و قربانی انجام می‌گرفته و نوعی عبادت همراه با گفت‌وگو،

۱. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُتِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مانده: ۵۵)



حرکت، امساک و بخشیدن مال به فقیران یا دستگاه دینی بوده است.

قسمتی دیگر از احکام چنین کلیتی نداشته و تنها در تعدادی از ادیان سابقه دارد؛ مانند احکام بردگی، ظهار، دیات و احکام خاصی از خانواده. یکی از شواهد روشن برای موارد مرتبط با واقعیت‌های جغرافیایی، موضوع ظهار، لعان، قسامه و بسیاری از فروع فقهی در باب حقوق، جزا و احکام زنان است؛ زیرا موضوع ظهار، لعان، قسامه و حتی احکام متناسب با واقعیت‌ها و بینش مردم قبایل نسبت به زنان، از اختصاصات جزیره‌العرب بوده و احکام قرآن ناظر به همان‌هاست. نمونه آشکار دیگر، دیه عاقله است که شکل پرداخت دیه خطایی را تعیین می‌کند و متناسب با بستر قبیله‌ای جزیره‌العرب است. این حکم در رابطه با موقعیت جغرافیایی، روحیات جنگ‌جویی و جنگ‌گستری، حل مشکلات اجتماعی قتل‌ها و نقص عضوهای غیر عمدی طرح‌ریزی شده است (نک. ایازی، ۱۳۸۰ ش، ۱۳۴). بر اساس دیدگاه ایازی، شرط دیگری که در مؤلفه احکام ارزیابی می‌شود، بررسی جوهری یا محیطی بودن نوع حکم است و این شرط تعیین‌کننده وابستگی و استقلال آیات احکام شمرده می‌شود؛ به این ترتیب که احکام جوهری، مستقل از مطالعه فرهنگی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا موضوعات آن وابسته به شرایط زمان و مکان نیست و اساس آن فطرت سلیم انسانی است. به‌عنوان مثال، احکامی مثل ظهار^۱ و ایلاء^۲ و لعان^۳ متناسب با شرایط جزیره‌العرب نازل شده و احکام محیطی نام دارد. احکامی مانند صوم^۴ و صلاة^۵ نیز که در برخی از ادیان سابق وجود داشته نمونه احکام جوهری است.

ویژگی پنجم: نوع مصلحت؛ ثابت یا متغیر. آیت‌الله معرفت تقسیم جداگانه‌ای در رابطه با احکام اسلامی ترتیب داده است. او احکام اسلامی را به شرح زیر، به دو نوع دارای مصلحت ثابت یا مصلحت متغیر تغییر داده است:

الف) احکامی مانند ابواب گوناگون عبادات و مقدمات آن شامل غسل و وضو یا تیمم، ابواب محرمات، احکام مواریث، نکاح، طلاق، عدّه، حدود، قصاص، دیات و احکامی از این دست

۱. «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ* الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَانِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أَلَانِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ» (مجادله: ۱-۲)
۲. «لِلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَانِهِمْ تُرْبُصٌ أَزْوَاجُ أُشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ* وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۲۶-۲۲۷)
۳. «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ» (نور: ۶)
۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳)
۵. «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره: ۲۳۸)

که بر مصلحت‌های ثابت استوار است در هیچ شرایطی تغییر پذیر نیست؛ زیرا مصالح زیربنایی این‌گونه احکام همیشگی و تغییرناپذیر است (معرفت، ۱۳۸۶ ش، ۱۷۲-۱۷۳). به عبارت دیگر، چنین احکامی از نظر موضوع و حکم تغییر پذیر نیست؛ چون عقل بشر از مناطات آن عاجز است. ب) مصلحت‌های متغیری نیز هست که به شرایط زمان و مکان بستگی دارد و «بیشتر مسائل سیاسی، نظامی، انتظامی و نیز تشکیلات مربوط به روابط داخلی و خارجی و انواع معاملات نوپیدا و موضوعات نوظهور از همین قبیل است» که با گذشت زمان و دگرگونی‌های شرایط و احوال و اوضاع تغییر پذیر است (همان).

بنابراین یکی از شروط وابستگی فرهنگی در مؤلفه احکام آن است که نوع مصلحت حکم از لحاظ ثابت یا متغیر بودن بررسی شود. به‌عنوان نمونه‌ای از مصلحت‌های متغیر در حوزه مسائل سیاسی و نظامی، می‌توان به «جزیه» اشاره کرد. به تعبیر آیت‌الله معرفت، «۱. در هر عصر و زمانی علت اینکه چرا باید جزیه بگیریم، فرق می‌کند؛ پس در هر شرایطی یک صلاحی وجود دارد. ۲. تغییر مصلحت می‌تواند این باشد که جزیه در زمان پیامبر ﷺ یک کارایی داشته، ولی امروزه یک کارایی دیگر دارد. در هر دو صورت، برای مخاطب خیر است. به تعبیر دیگر، حکم، ثابت است؛ اما حکمت طراحی حکم، متغیر است.»

همان‌طور که در بالا ذکر شد، از دیگر مصلحت‌های ثابت مصلحت احکام نکاح و طلاق است.

ویژگی ششم: نوع حکم؛ تأسیسی یا امضایی. به‌طور کلی، احکام از جهات مختلفی دسته‌بندی شده است: الف) احکام عقلی و شرعی؛ ب) احکام ارشادی و مولوی؛ ج) احکام تأسیسی و امضایی؛ د) احکام تکلیفی و وضعی (محقق داماد، ۱۳۸۵ ش، ۴-۶). برخی از این انواع به مطالعه فرهنگی وابسته و برخی ثابت است. آن دسته از احکام که با توجه به ثبات و تغییر مصلحت حکم ارزیابی شده است، ویژگی امضایی یا تأسیسی دارد.

احکام تأسیسی احکامی است که از طرف شارع جعل و صادر شده و سابقه‌ای در عرف و در بین عقلا نداشته است. احکام امضایی امور اعتباری و مبتنی بر اعتبار کردن آن از سوی عرف و عقلاست؛ مانند ملکیت و زوجیت و دیگر منشآت عقود و ایقاعات. به عبارت دیگر، «حکم امضایی» آن چیزی است که شارع آن را تأیید و امضا کرده است (همان). امام خمینی نیز امضا را اساساً به معنای انشای حکم از سوی شارع نمی‌داند و بر آن است که شارع در فرآیند امضا،



هیچ تصرفی در سیره عقلا نمی‌کند (الموسوی الخمینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۲۰۴) و تنها رضایت خود را نسبت به سیره ابراز می‌دارد (همو، ۱۳۸۲ش، ج ۳، ۱۹۹)؛ در نتیجه، در فهم امضا نیازی به احراز آن نیست و صرف عدم وصول ردع در تحقق آن کفایت می‌کند (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۳۱۵). در واقع، بسیاری از احکام قرآن کریم جنبه امضایی دارد و بر اساس عقل سلیم و فطرت پاک انسان قابل تشخیص است (ایازی، ۱۳۸۰ش، ۴۳۰). بنابراین تغییر سیره عقلا، متناسب با تحول شرایط زیست فرهنگی، موجب تغییر در احکام امضایی خواهد شد؛ در نتیجه، فهم آیه حاوی حکم امضایی به مطالعات فرهنگی و کشف مصلحت عقلی سیره جاری در فرهنگ زمانه وابسته می‌است.

نوبهار اگرچه بر گسترده بودن تغییر در احکام امضایی تأکید دارد، تغییرپذیری را صرفاً ویژگی آن نمی‌داند؛ زیرا اگر اصل تقسیم‌بندی احکام به ثابت و متغیر را بپذیریم، بر اختصاص تغییر به حوزه احکام امضایی دلیلی نداریم. به سخن دیگر، بر مبنای اعتزالی‌امامی که احکام را تابع مصالح و مفاسد می‌داند، تغییر به قلمرو احکام امضایی اختصاص ندارد؛ اما مسئله این احکام ارتباط آن‌ها به قلمرو اعمال غیرعبادی و گستردگی باب تغییر در احکام غیرعبادی است (نوبهار، ۱۳۹۴ش، ۹۹). در نتیجه، به اقتضای شرایط فرهنگی، هریک از احکام امضایی و تأسیسی ممکن است تغییرپذیر باشد.

با توجه به بی‌سابقه بودن حکم قرآنی محارب در عصر تشریح، این حکم را می‌توان نوعی حکم تأسیسی دانست؛ پس لازم است با بررسی مصالح و مفاسد و حکمت آن، درباره تغییرپذیر بودنش داوری کرد و در نتیجه، فهم آیه فقهی محاربه^۱ می‌تواند مستقل یا وابسته به مطالعات فرهنگی باشد.

برای نمونه‌ای از احکام امضایی می‌توان به «جزیه» اشاره کرد. به گواهی تاریخ، جزیه ۲ در دوران پیش از اسلام نیز در امپراطوری‌های ایران و روم در مورد اقلیت‌ها رایج بود؛ بنابراین چه ریشه این کلمه را «گزیتا» در سریانی (پاکتچی)، «جزیه»، ضمن پایگاه اینترنتی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۳ مشاهده در ۱۴۰۲/۶/۱۵ یا «ج زی» در عربی بدانیم، حکم جزیه یک حکم امضایی است. برای استنباط حکم

۱. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مانده: ۲۳)
 ۲. «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه: ۲۹)

3. <https://www.cgie.org.ir/fa/article/223305>.



قرآنی از آیه جزیه، متناسب با شرایط فرهنگی معاصر، مطالعات فرهنگی ضروری است.

ویژگی هفتم: مطلوب بودن حکم امضایی؛ بله یا خیر. محقق داماد احکام امضایی را به دو بخش تقسیم می‌کند: قسم اول «احکام امضایی مطلوب» و قسم دوم «احکام امضایی تحمیلی». قسم دوم احکامی است که نه به خاطر موجه و مطلوب بودن، بلکه به خاطر رواج و شیوع در عرف و وجود محذورات اجتماعی در مخالفت با آن امضا شده و در حقیقت، پذیرش این دسته از احکام بر شریعت تحمیل شده است؛ درحالی که شارع احکام امضایی مطلوب را به خاطر عقلایی و منطقی و موجه بودن تأیید کرده است (محقق داماد، ۱۳۸۵، ش، ۵-۶). احکام برده‌داری مثالی برای احکام امضایی تحمیلی است و دلیل تحمیل آن ممکن نبودن اصلاح فوری فرهنگ برده‌داری است که شاید دامنه تأثیرات آن همه ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را فراگرفته باشد. شارع در این موارد، روش فرهنگ‌سازی و اقدامات محدودکننده را برگزیده که طی زمان موجب نسخ این احکام می‌شود؛ در نتیجه، فهم آیات برده‌داری از منظر حکم آن، برای تشخیص امضایی و نامطلوب بودن، وابسته به مطالعه فرهنگی است.

ویژگی هشتم: لزوم تنقیح مناط؛ بله یا خیر. اولین معیار تشخیص ثبات و تغییر احکام، مصالح و مفاسد موجود در آن‌هاست؛ یعنی چنانچه مصالح یا مفاسد در یکی از متعلقات حکم، دائمی باشد به نحوی که تحولات زمان و مکان هیچ تأثیری در آن نگذارد، حکم همیشگی است (احمدی‌نژاد، ۱۳۷۹، ش، ۱۵). راه شناخت ثبات و تغییر مصالح و مفاسد احکام، تنقیح مناط است. غروی نائینی در توضیح مناط احکام می‌نویسد: «راهی برای انکار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلقات نیست؛ چه اینکه در افعال، قطع نظر از امر و نهی شارع، مصالح و مفاسدی نهفته است و همین مصالح و مفاسد در واقع علل و مناطات احکامند.»^۱ یا در جای دیگر می‌نویسد: «راهی نیست برای انکار درک عقل از برخی مناطات و همانا عقل به‌طور مستقل حسن و قبح اشیا را درک می‌کند و ممکن نیست عزل عقل از درک حسن و قبح آن، همانند اعتقاد بعضی از اشاعره.»^۲ (غروی نائینی، ۱۳۷۶، ش، ۳، ۵۹). شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد:

۱. إنه لا سبيل الى إنكار تبعية الأحكام للمصالح والمفاسد في المتعلقات وإن في الأفعال في حد ذاتها مصالح ومفاسد كامنة مع قطع النظر عن أمر الشارع ونهيه وإنها تكون عللا للأحكام ومناطقها.

۲. إنه لا سبيل الى الإنكار إدراك العقل تلك المناطق موجبة جزئية وإن العقل ربما يستقل بقبح الشيء وحسن آخر ولا يمكن عزل العقل عن إدراك الحسن والقبح كما عليه بعض الأشاعرة.



قوانین اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است؛ به این معنا که جنبه مرموز و صددردصد مخفی و رمزی ندارد. اسلام اساساً خودش بیان می‌کند که قوانین، بر اساس همین مصالحی است که به جسم انسان یا به روح انسان یا به اخلاق انسان یا به روابط اجتماعی انسان و اموری از این دست مربوط است و مصلحت قوانین اسلام امور مرموزی نیست که عقل بشر به آن راه نداشته باشد. (مطهری، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ۲۰).

همو در جای دیگر گوید:

همچنین قرآن فلسفه احکام و دستورها را ذکر می‌کند و در واقع، مصالح و مفاسد در سلسله علل احکام قرار می‌گیرد؛ نظیر زکات و نماز و جهاد که درباره همه آنها از لحاظ فردی و اجتماعی توضیح می‌دهد؛ به این ترتیب قرآن به احکام آسمانی در عین ماورایی بودن، جنبه این‌دنیایی و زمینی می‌دهد و از انسان می‌خواهد درباره آنها اندیشه کند تا اصل مطلب برای او روشن گردد و تصور نکنند این‌ها صرفاً یک سلسله رمزهای مافوق فکر بشر است. (همو، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ۵۶).

بنابراین عقل انسان برخی ملاکات احکام را درک می‌کند و بر اساس تجدد و تبدل مناسبات، احکام جدید و جایگزین احکام پیشین را استنباط می‌نماید. به‌عنوان مثال در حکم ظهار، بنا بر نظر مفسران، صرف عدم تمایل یا ابراز عدم تمایل زن و شوهر به یکدیگر، حدود شرعی بین‌شان را خدشه‌دار نخواهد کرد؛ بنابراین مصلحت این حکم دائمی است و ویژه زن و شوهر اشاره‌شده در سبب نزول آیه نیست. از آنجا که لازمه اطمینان به دائمی بودن مصلحت حکم و لزوم تنقیح مناسبات، مطالعه فرهنگی به‌منظور شناخت خصوصیات و جزئیات حکم ظهار است، می‌توان نتیجه گرفت که آیات ظهار از مصادیق آیات وابسته به مطالعه فرهنگی است.

۳-۳. روابط عناصر مدل ارزیابی وابستگی فهم آیات الاحکام به مطالعه فرهنگی

در این بخش، بر اساس مدل به‌دست‌آمده و نحوه تأثیر ویژگی‌های آیات بر خروجی مدل، قواعد استقلال آیات از مطالعه فرهنگی را ارائه کرده‌ایم. این قواعد چهارگانه برای تعیین استقلال آیات، ناظر به ویژگی‌های هشت‌گانه پیش‌گفته است و روابط میان عناصر مدل را شرح می‌دهد. اگر آیه حاوی حکم فقهی باشد و قرائن درونی برای فهم حکم کفایت کند و حکم از نوع قضایای

حقیقه باشد، در این صورت قواعد زیر جاری می‌شود:

قاعده اول: اگر پیشینه حکم جوهری باشد، فهم آیه و استخراج حکم امروزین از آن مستقل از مطالعات فرهنگی است.

قاعده دوم: اگر پیشینه حکم محیطی و مصلحت حکم ثابت باشد، فهم آیه و استخراج حکم امروزین از آن مستقل از مطالعات فرهنگی است.

قاعده سوم: اگر پیشینه حکم محیطی و مصلحت حکم متغیر و نوع حکم امضایی مطلوب باشد، فهم آیه و استخراج حکم امروزین از آن مستقل از مطالعات فرهنگی است.

قاعده چهارم: اگر پیشینه حکم محیطی و مصلحت حکم متغیر باشد و نوع حکم تأسیسی نباشد و تنقیح مناط لازم نداشته باشد، فهم آیه و استخراج حکم امروزین از آن مستقل از مطالعات فرهنگی است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، اگر حکم آیه فقهی صرفاً با استناد به قرائن درونی فهمیده شود، استنباط حکم امروزین از آن صرفاً در چهار حالت زیر می‌تواند مستقل از مطالعه فرهنگی باشد و در سایر حالات وابسته به آن است:

حقیقه - جوهری

حقیقه - محیطی - مصلحت ثابت

حقیقه - محیطی - مصلحت متغیر - امضایی - مطلوب

حقیقه - محیطی - مصلحت متغیر - تأسیسی - لازم نبودن تنقیح مناط

خروجی آزمایشی مدل

می‌توانیم خروجی مدل را با استفاده از قواعد چهارگانه و برای چند آیه ورودی و بر اساس مقادیری که به‌طور آزمایشی به ویژگی‌ها داده شده، در جدول ۱ مشاهده کنیم. شایان ذکر است که حالات هریک از ویژگی‌ها برای هر آیه در جدول، محلّ مناقشه نیست؛ بلکه هدف صرفاً نمایش نحوه کار مدل با ویژگی‌ها و آزمون قاعده‌ها است.



جدول ۱: جدول آیات بر اساس ویژگی های آیه در مؤلفه احکام

ویژگی	نوع قضیه	پیشینه حکم	نوع مصلحت حکم	نوع حکم	امضایی و مطلوب بودن حکم	لزوم تنقیح مناط	نتیجه
مقادیر (کلمات) آیه	حقیقیه/ خارجیه	جوهری/ محیطی	ثابت/ متغیر	تأسیسی/ امضایی	بله، مطلوب/ خیر، تحمیلی	بله/خیر	وابسته/ مستقل
ظهار	حقیقیه	محیطی	ثابت	امضایی	تحمیلی	بله	وابسته
محرابه	حقیقیه	جوهری					مستقل
جزیه	حقیقیه	محیطی	متغیر	امضایی	تحمیلی		وابسته
حجاب	حقیقیه	جوهری					مستقل
برده داری	حقیقیه	محیطی	متغیر	امضایی	تحمیلی		وابسته

نتیجه‌گیری

در باره نیازمندی فهم آیات الاحکام به مطالعه فرهنگی طیفی از دیدگاه‌ها در میان قرآن‌پژوهان وجود دارد و هریک از آن‌ها مبانی و دلایل خود را ارائه داده‌اند. بر اساس این شواهد و دلایل، یک مدل برای ارزیابی وابستگی فهم قرآن به مطالعات فرهنگی طراحی کردیم. ورودی مدل یک آیه و خروجی آن تعیین یکی از دو حالت وابسته و مستقل برای همان آیه است. این مدل قابلیت ارزیابی مؤلفه‌های حاکم بر آیات الاحکام را فراهم می‌کند. مؤلفه‌های این مدل شامل چهار قاعده و هشت ویژگی است و ارزیابی این هشت ویژگی در ورودی، خروجی مدل را تعیین می‌کند. شایان ذکر است، مدل ارائه‌شده این امکان را فراهم می‌کند تا هر کاربر بر اساس دانش و پژوهش خود به این شرط‌ها پاسخ دهد و بر همین اساس از مدل خروجی بگیرد. این مدل را به شکل نمودار درخت تصمیم نمایش داده‌ایم.



کتاب نامه

• قرآن کریم.

- ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۳ش). نقد گفتمان دینی، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران: یادآوران.
- احمدی نژاد، علی (۱۳۷۹ش). نقش زمان و مکان در استنباط احکام فقهی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۰ش). فقه پژوهی قرآنی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱ش). مکاتب تفسیری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- پاکتچی، احمد (۱۴۰۲/۶/۱۵). جزیه، ضمن پایگاه اینترنتی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، <https://www.cgie.org.ir/fa/ar-ticle>. ۲۲۳۳۰۵/۲۲۳۳۰۵
- ----- (۱۴۰۲/۶/۱۵). مطالعات فرهنگی در تفسیر، ضمن پایگاه اینترنتی دایره المعارف بزرگ اسلامی، <https://www.cgie.org.ir/fa/news>. ۱۷۹۶۲۴/cgie.org.ir/fa/news
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ش). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- خرماهی، بهاء الدین (۱۳۷۴ش). بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم، بینات، ۲(۵)، ۹۰-۹۷.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش). لغت نامه، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳ش). المفردات لألفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.
- رضایی اصفهانی (۱۳۹۳ش). منطق تفسیر القرآن (۴). قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۵ش). بسط تجربه نبوی، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
- شانه چی، کاظم (۱۳۷۵ش). آیات الاحکام، مطالعات اسلامی، ۳۱(۳۲)، ۳۱-۴۸.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ----- (۱۳۵۳ش). قرآن در اسلام، تصحیح رضا ستوده، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹ش). نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران: طرح نو.
- ----- (۱۳۸۴ش). تأملاتی در قرائت انسانی از دین، تهران: طرح نو.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۵ش). قواعد فقه مدنی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲ش). دائرةالمعارف قرآن، قم: بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ش). آشنایی با قرآن، تهران: نشر صدرا.
- ----- (۱۳۸۱ش). اسلام و نیازهای زمان، تهران: نشر صدرا.
- ----- (۱۳۷۹ش). تفسیر و مفسران، قم: انتشارات التمهید.
- نکونام، جعفر (۱۳۸۰ش). درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن کریم، تهران: هستی نما.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۴ش). جستاری در تقسیم بندی باب های فقهی و پیامدهای روش شناختی آن، راهبرد، ۲۴(۷۶)، ۷۹-۱۰۵.

منابع عربی

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد عبدالقادر عطاء، بیروت: دارالفکر.
- ابوزید، نصر حامد (۲۰۰۴م). دوائر الخوف (قراءة في خطاب المرأة)، بیروت: المركز الثقافي العربي.
- حکیم، محمد تقی (۱۹۷۹م). الأصول العامة للفقہ المقارن، قم: مؤسسة آل البيت لأحیاء التراث.
- ذهبی، محمد حسین (۱۳۹۶ش). التفسیر والمفسرون، بی جا، دار الکتب الحدیثة.
- زركشى (۱۳۷۶ش). البرهان في علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار إحياء الكتب العربية.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق). الإلتقان في علوم القرآن، تحقیق فؤاز احمد زمرلی، بیروت: دار الكتاب العربية.
- بلعید، صادق (۱۹۹۹م). القرآن والتشريع، بی جا، مرکز النشر الجامع.
- ----- (۱۴۱۷ق). المیزان في تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش). أطيّب البيان في تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- غروی نائینی، محمد حسین (۱۳۷۶ش). فوائد الأصول، قم: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۶ش). صیانة القرآن من التحریف، قم: انتشارات التمهید.
- الموسوی الخمينی، روح الله (۱۴۱۳ق). أنوار الهدایة، تهران: مؤسسة تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ----- (۱۳۸۲ش). تهذیب الأصول، قم: مؤسسة اسماعیلیان.